

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

شباهنگ راد  
۰۳ نومبر ۲۰۱۹

## گردستان سوریه و افق‌ها

تحولات کنونی و ترک مواضع نظامی نیروهای گردستان در سوریه، به هجوم سبوعانه و به توافق قدرت‌مداران بزرگ جهانی به منطقه خاورمیانه بر می‌گردد. البته اتفاق فعلی در گردستان سوریه، ابتداء به ساکن نیست و به گذشته نزدیک و نیز به سیاست‌های نیروهای درگیر در جنبش گردستان سوریه ربط دارد. پس هرگونه دوری و یا نادیده‌گیری از نقش و از رفتار سیاسی - نظامی نیروهای گردستان، در قبال سیاست‌های دولت‌های بزرگ جهانی و رژیم‌های چاکرمنش و وابسته‌ای همچون ترکیه، ما را گمراه و از ارائه ارزیابی صحیح باز خواهد داشت.

در هر صورت و تابه حال روشن شده است که تفاوت بسیار زیادی، بین مواضع و خواست‌های مردمی، با مواضع و خواست‌های نیروها و جریانات مدافع آنان است؛ به اثبات رسیده است که جنبش‌های اعتراضی و حق‌طلبانه مردمی، در دوره‌های متعدد و به دلیل سیاست‌های مماشات و تسلیم‌طلبانه نیروهای مدعی رهائی از زیر سلطه طبقه سرمایه‌داری، متحمل ضربات بس سنگینی شده‌اند؛ دیده شده است که هر یک از آنان و تحت عنوان دفاع از جنبش‌های مردمی، جنبش در حال رشد و روبه جلو را، به جنبش روبه عقب و نیز به جنبش سکون و بی‌روح تبدیل کرده‌اند؛ متأسفانه گردستان سوریه این روزها، با چنین پدیده‌های تأسف‌باری رودرروست و گام و به‌گام، مسیر خلاف مقاومت آن روزهای کوبانی را پی می‌گیرد؛ کوبانی که در گیرودار حمله داعش و آن‌هم با حمایت و در همیاری دولت‌مردان بزرگ جهانی و رژیم‌های حامی‌شان همچون دولت ترکیه، پیام‌آور مقاومت و تعرض در برابر قداره‌بندان سرمایه و نیز پیام‌آور بازستانی حقوق پایمال شده توده‌های محروم و ستمدیده گردستان سوریه بوده است. آن‌زمان گردستان ایستاد و دشمنان را پس زد و این‌زمان عقب نشست و بخشی زیادی از گردستان را، بار دیگر به حاکمان زورگو - و آن‌هم به بهانه جلوگیری از خون و خونریزی -، باز گردانده است.

پیش‌تر و در «بیم‌ها و امیدهای کوبانی!» گفته شده است که توده‌های محروم گردستان برای دستیابی به حقوق دیرینه‌شان، نیاز به تئوری منطبق با آرمان کمونیستی و هدایت‌گر سالم دارند؛ گفته شده است که جنبش گردستان، قادر به پس زدن درازمدت منفعت‌طلبان و ستمگران از سرزمینش نخواهد بود، مگر آن‌که، از قدرت توده‌های محروم منطقه تغذیه شود؛ گفته شده است که نگاه به بالای نیروهای گردستان، به معنای رد نگاه پائینی‌هاست. البته قابل قبول و طبیعی‌ست که در این حوزه‌ها، برداشت‌های گونه‌گونه‌ای از جایگاه و از نقش مبارزاتی نیروهای درگیر در جنگ طبقاتی با دشمنان کارگران، زحمت‌کشان و دیگر توده‌های ستمدیده وجود دارد؛ و مضافاً این‌که درست است، انقلاب توده‌ئی به ثمر نخواهد رسید مگر آن‌که،

حامل سیاست تعرضی و مقابله‌ای علیه ارگان‌های مسلح و سرکوبگر باشد؛ هم چنین درست است که گسترش جنگ انقلابی، وابسته به آگاهی کمونیستی و سازماندهی نیروی تودهنی در برابر حملات و یورش سازمانیافته نظام امپریالیستی در میدان خودی‌ست؛ مقوله‌های اساسی که نیروهای کُردستان سوریه، آگاهانه از آن‌ها فاصله گرفته‌اند تا به پندار خویش، مانع جنایت ارتكابی بیش از پیش امپریالیست‌ها و دولت‌های وابسته‌شان همچون دولت «اردوخان» گردند! سیاست و تاکتیکی که با خواسته‌های توده‌های محروم کُردستان سوریه، و نیز با منطق جنگ‌های انقلابی و رهائی‌بخش از زیر سلطه ستم امپریالیستی در تضاد قرار دارد.

ولی قبل از هر چیز، طرح و تکرار این موضوع بی‌فایده نیست که دولت ترکیه، با دستور دولت امریکا و در توافق با دیگر دولت‌مردان بین‌المللی همچون روسیه، بخش‌هایی از کُردستان سوریه را اشغال کرده است تا هم نقشه و سیاست تعرض به حقوق محرومان را پی گیرد، و هم بر جنگ‌های ارتجاعی و هر چه میلیتاریزتر کردن منطقه بیفزاید. دهه‌هاست که دولت‌مردان بزرگ جهانی به یاری و با سازماندهی دستجات مسلح و ارتجاعی‌شان و به ویژه در چهارچوبه باز تعریف و تقسیم مجدد جهان سرمایه‌داری، حملات افسار گسیخته‌ای را به کارگران و زحمت‌کشان جهان و از جمله به منطقه خاورمیانه سازمان داده‌اند. جنگ، آوارگی و ویرانی را یکی پس از دیگری، بر فضای جوامع و مناطق متفاوت حاکم گردانده‌اند و روزبه‌روز، انسان‌های دیگری را در کام سیاست‌های ضد انسانی‌شان می‌بلعند. به عبارت دیگر، آشوب سیاسی و نظامی در جهان سرمایه‌داری بسیار بالاست و آگاهانه تنش و اختلافات‌شان را، به میدان غیرخودئی همچون کشورهای عراق، افغانستان، لیبیا، سوریه و غیره می‌اندازند؛ بر آن اند تا از یک‌سو، جهان معترض را به عقب وادارند و از سوی دیگر بر بحران مزمن‌شان فائق آیند. جابه‌جائی و اعزام نیروهای نظامی به قسمت‌های مختلف عراق، سوریه، لیبیا و دیگر مناطق خاورمیانه و همچنین استفاده از ادوات سرکوب و کُشنده، نمایانگر خواسته‌ها و سیاست‌های فوری دولت‌مداران بزرگ، نسبت به جامعه بازخواهی است؛ می‌خواهند جنبش‌ها و درخواست‌های مردمی را از روند معمولی و بحش باز دارند تا چاله‌های سیاسی - اقتصادی‌شان را، با سرکوب بی‌رحمانه و با فروش تسلیحات نظامی به کشورهای سرشار از منابع طبیعی پُر کنند.

به هر رو ماهیت این سوی قضیه، یعنی ماهیت دولت‌مردان بین‌المللی و دیگر دولت‌ها و دارودسته‌های وابسته‌شان روشن است. اما سوی دیگر آن، به سیاست مدعیان منافع مردم مربوط می‌باشد. بنابراین لازم و ضروری‌ست تا به موازات محکومیت و افشای سیاست‌ها و حملات وحشیانه امپریالیست‌ها و دیگر دستجات مسلح و ارتجاعی، ماهیت سیاسی اوضاع کنونی را بدرستی بازگو، و نیز کدري سیاست‌ها و تاکتیک‌های سازمان‌ها و احزاب درون جنبش کُردستان را برشمارد و به دنباله تلاش ورزید، از بار صدمات بیش از پیش جنبش‌های حق‌طلبانه کاست. به این علت که جامعه و مردم، کاملاً با طبقات حاکمه و دستجات متفاوت‌شان، خط و مرز روشن و عملی کشیده‌اند و به انحاء گوناگون، مدافعان وضعیت فعلی را به نبرد فرا می‌خوانند. ایراد کار و یا ناروشنی، نه در انتخاب سیاسی مردم نسبت به سیاست‌های قدرت‌مداران و رژیم‌های حاکم منطقه، بلکه در انتخاب سیاسی ناصحیح بعضاً نیروهای مدعی منافع کارگران، زحمت‌کشان و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی است. مورد و یا مواردی که این‌روزها در صحنه کُردستان سوریه در جریان است و به آوارگی، به تخلیه و به کاهش انرژی مبارزاتی مردم می‌پردازد و در همان عین نقش سوپاپ اطمینان سیاست‌های امپریالیستی در منطقه را بازی می‌کند.

به عبارت واضح‌تر باید گفت که نمی‌توان مدعی منافع و سُخنگوی مردم بود و در همان‌حال، گوش شنوا از قدرت‌مداران بزرگ جهانی داشت؛ نمی‌توان عامل بدبختی توده‌های ستم‌دیده کُردستان را، طبقات آلوده به ستم و سرکوب دانست و در همان‌حال، مجری سیاست‌های ضد انسانی‌شان بود. این دو نگرش و دو سیاست، متضاد از هم

است و شوربختانه جنبش‌های اعتراضی و حق‌طلبانه، در چنین دو راهی ضرر خورده گیر کرده است و بدون کمترین شک و شبهه‌ای، تغییر آن مستلزم تغییر سیاست‌های تسلیم‌طلبانه و نیز مستلزم اتکاء به قدرت و به نیروی مسلح توده‌ئی‌ست. روشن است که پیش‌رفت جوش‌های مردمی، در تعرض بی‌وقفه به ارگان‌های حافظ بقای امپریالیستی و به ویژه در سازماندهی آنان حول سیاست‌های تمام‌کننده است. این‌ها از زمره مختصات جنگ‌های انقلابی‌ست و خلاف بعضاً ایده‌های طرح شده، نمی‌توان و در حقیقت نمی‌شود، ناپیگیری‌های نظری - عملی را به خصلت جنگ‌های توده‌ئی در دوران و در مراحل متفاوت ربط داد؛ نمی‌توان به بهانه جلوگیری از تخریب و خون خون‌ریزی، زمینه‌های تخریب و خون‌ریزی بیش از پیش محرومان را آماده و هزاران نفر را بی‌خانمان کرد؛ نمی‌توان به بهانه قدر قدرتی حاکمان جهان، از انتخاب سیاست تعرضی باز ماند و در همان حال توده‌ها را از آوارگی و در بدری نجات داد. پیداست که سرمایه‌داران در سرتاسر جهان دست بالا را دارند و با تمام وجود به دنبال تخطئه جوش‌ها و اعتراضات حق‌طلبانه مردمی‌اند. بدون اندکی توهم، فضای جهان یکسویه است و پس تغییر جهت فعلی، نه در عقب‌نشینی، نه در همکاری و یا نه در هم‌سوئی با سیاست‌های امپریالیست‌ها و دیگر دارودسته‌های‌شان، بلکه در تعرض، در دوری و در فاصله‌گیری از آنان و به ویژه در اتکاء عمیق به قدرت و به نیروی توده‌ئی‌ست.

به طور یقین جامعه مدافع جنبش‌های انقلابی در چنین بستری قادر خواهد بود تا آینده‌ای روشن و نیز آینده‌ای عاری از ظلم و ستم را تضمین کند. با این تفصیل، شناخت حدود و ثغور سیاسی نیروهای مدعی جنبش گردستان، در موقعیت حساس کنونی می‌تواند ایده‌ها را شفاف‌تر و افق‌های مبارزاتی در گردستان سوریه را روشن‌تر سازد. بنابه هزاران ادله، دلیلی از اتخاذ سیاست دفاعی و پس‌رونده نیست؛ دلیلی برای عقب‌نشینی و یا تسلیم بدون جنگ و درگیری با دشمنان توده‌های محروم و ستم‌دیده گردستان سوریه نیست؛ دلیلی در مدارا، در همراهی و یا در هم‌سوئی با سیاست‌های ارتجاعی دولت‌های بزرگ و دیگر دارودسته‌های سرکوبگر منطقه نیست. خواست مردم و به سر انجام رساندن انقلاب را نمی‌شود، با دور زدن و یا با کنار آمدن با قدرت‌مداران بین‌المللی همچون آمریکا، روسیه، سوریه و ترکیه و غیره متحقق کرد. به این سبب که سیاست این دولت‌ها در قبال درخواست‌های مردمی، آنچه را که در دنیای فعلی شاهد آنیم، نیست. حاکمان کنونی تضاد منافع بنیادی با پائینی‌ها دارند و پس هرگونه مراد و مشورت با آنان، به ضرر مردم تمام خواهد شد. بدین ترتیب توافق و اعطای این و یا آن بخش از سرزمین و منطقه، به دسته‌ها و یا به گروه‌های وابسته به دولت‌ها، نه تنها در خدمت به آرمان توده‌های ستم‌دیده گردستان سوریه نیست، بلکه در جهت بندگی، اسارت و تخریب بیش از پیش خانه و کاشانه آنان است. پس ایستادگی و مقاومت در برابر اشغال‌گران، از زمره اولویت‌ها و وفاداری به جنگ‌های انقلابی توده‌های دردمند است؛ کاری که نیروهای گردستان سوریه، آشکارا از آن‌ها سر باز زده‌اند و گام به‌گام و در بده و بستان با دولت آمریکا و دیگر دولت‌های سرکوبگر منطقه، زمینه جنگ‌های گسترده‌تر و حضور طولانی‌تر آمران و عاملان وضعیت ناهنجار کنونی را فراهم می‌کنند. جنبش اعتراضی، جنبش مسامحه نیست؛ خط و مرامش، سازشکاری و اطاعت از سیاست‌های قدرت‌مداران بین‌المللی و باز پس دادن منطقه گردستان، به غاصبان نیست؛ دولت ترکیه سی کیلومتر، سرزمین گردستان را به بهانه منطقه "امن" اشغال کرده است تا روحیه تعرضی توده‌های ستم‌دیده و بازخواهی دیگر مناطق گردستان را سرکوب کند.

خلاصه این‌که، سرمایه‌داران برای تعرض به کارگران، زحمت‌کشان و دیگر توده‌های محروم و رنج‌دیده، به دنبال بهانه نیستند و هر زمان منافع‌شان ایجاب کند، آنان را قربانی سیاست‌های منفعت‌طلبانه‌شان خواهند کرد. در این حوزه نیازی به ردیف کردن موارد نیست و در نتیجه تکنیک صحیح در برابر سیاست‌های نظام امپریالیستی، با

تعرضِ سازمانیافته توده‌ئی و مسلحانه گره خورده است. پس تنها با انتخابِ سیاست و راهِ مقابله‌ئی و مسلحانه است که می‌توان، موانع رودررو را بر طرف کرد و افق‌های روشنی در برابر جامعه و قربانیان نظام امپریالیستی قرار دهد.

۲ نومبر ۲۰۱۹  
۱۱ آبان [عقرب] ۱۳۹۸